

بازداشت نامادری ۴ ماه پس از مرگ پسر ۸ ساله

■ با گذشت ۴ ماه از مرگ پسر ۸ ساله، نامادری این کودک اعتراف کرد خوردن شربت متادونی که برای خودکشی خریده و در نوشابه ریخته بود باعث مرگ کودک شده است.

خیلی دوست داشته و به آن‌ها آسیبی نرسانده است. اما در ادامه تحقیقات اظهارات جدیدی مطرح کرد. او مدعی شد که تصمیم به خودکشی داشته و به همین دلیل متادون خریده و در خانه نگه داشته بود که بچه‌ها به اشتباه متادون را می‌خورند. با اعتراف جدید نامادری، او به دستور بازپرس شعبه بازدهم دادسرای امور جنایی تهران در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

گفتگو با نامادری
چرا می‌خواستی خودکشی کنی؟
به خاطر مشکلاتی که داشتم. ماجرا برمی‌گردد به چندین سال قبل، من در ازدواج اولم شکست خوردم. سال ۹۵ با شوهر اولم ازدواج کردم و سال ۹۷، از او جدا شدم. بعد از ازدواج دوم هم به این نتیجه رسیدم که اشتباه کرده‌ام و دیگر آینده‌ای برای خودم متصور نبودم. با همسر دومم چطور آشنا شدم؟

دی ماه سال ۹۸ بود که از طریق دوستم با این مرد آشنا شدم. مرد خوبی به نظر می‌رسید. دو تا بچه داشت و از همسرش تازه جدا شده بود. وضع مالی متوسطی داشت، اما برای من پول مهم نبود و قبول کردم حتی به جای حلقه طلا، برایم نقره خرید، اما کم اختلاف بین من و همسرش شروع شد و به فکر جدایی افتادم. اما اگر این کار را می‌کردم مردم فکر می‌کردند این من هستم که مشکل دارم و واقعاً خجالت می‌کشیدم. برای همین به فکر خودکشی افتادم.

از کجا متادون خریدی؟
از عطاری تهیه کردم و داخل نوشابه ریختم تا در فرصتی مناسب تصمیم را اجرا کنم. بچه‌ها که از ماجرا بی‌خبر بودند به سراغ پنجاه تریل متادون را مصرف کرده بودند.
با بچه‌ها اختلاف داشتی؟
اصلاً. من آن‌ها را خیلی دوست داشتم. اما یکبار که همسرم به خاطر مسائل تربیتی بچه‌ها و همچنین ملاقات آن‌ها با مادرشان گله‌مند بود گفتم بچه‌ها را نزد مادرشان بگذارم.



داشته‌اند شیطنت می‌کردند به آن‌ها گفتم آرام باشید، گفتند ماما ما اینجا می‌توانیم بازی کنیم در خانه ماما شیمیا به ما اجازه نمی‌دهد و ما را دعوا می‌کند.
زن جوان در رابطه با اینکه چه اتفاقی برای بچه‌هایش رخ داده گفت: پزشک گفته که بچه‌ها متادون خورده‌اند و متادون دو ساعت طول می‌کشید اثر کند. پسر بزرگم ساعت یک نیمه شب در رختخوابش فوت کرد پس باید حدود ساعت ۱۱ شب متادون را خورده باشد. پسر کوچکم می‌گوید که آن شب حال برادرش بد شده و مدام در خواب کابوس می‌دیده، حتی به شیمیا هم گفته که حال داداشم خوب نیست، اما او توجه نکرده است.

متادون برای خودکشی
در حالی که زن جوان چنین اظهاراتی داشت، نامادری، بازداشت شد. او ابتدا مدعی بود که بچه‌ها را

گروه حوادث- ساعت ۱۰:۳۰ صبح شنبه ۸ شهریور مأموران کلانتری ۱۲۰ سیدخندان از مرگ پسر ۸ ساله‌ای در بیمارستان رسالت باخبر شده و موضوع به بازپرس شعبه بازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت اعلام شد. باتوجه به مشکوک بودن مرگ پسر بچه، بازپرس مصطفی واحدی دستور تحقیقات در این خصوص را صادر کرد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که علاوه بر پسر ۸ ساله، برادر ۶ ساله او نیز وضعیت جسمی بدی داشته که او را به بیمارستان لقمان انتقال داده‌اند. اما وی بعد از چند روز بهبود یافت.

در ادامه تحقیقات مشخص شد حدود ۹ ماه قبل پدر این دو کودک از همسرش جدا شده و بعد از مدتی نیز با زن جوانی به نام شیمیا ازدواج کرده است. بچه‌ها نیز با پدر و نامادری ششان زندگی می‌کردند. اما یک روز قبل از حادثه برای ملاقات مادرشان رفته و پیش او بوده‌اند. باتوجه به اینکه پدر بچه‌ها، از همسر سابق و همسر جدیدش به خاطر مرگ پسرش شکایت داشت، بازپرس جنایی دستور تحقیق از هر دو زن را صادر کرد.

هم‌زمان دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی نیز صادر شد تا علت مرگ پسر ۸ ساله بر ملا شود. با انجام آزمایشات، متخصصان پزشکی قانونی علت مرگ را نارسایی تنفسی به دنبال مسمومیت با متادون و دیفن هیدرامین اعلام کردند. همچنین بازپرس جنایی دستور تشکیل کمیسیون پزشکی را صادر کرد تا مشخص شود آیا خوردن متادون عامل مرگ بوده است یا خیر؟

جدایی به خاطر اختلاف
در ادامه تیم تحقیق به سراغ صادر بچه‌ها رفت و وی گفت: به خاطر اختلافاتی که با همسر داشتم از او جدا شدم. چون از نظر مالی نمی‌توانستم بچه‌ها را نگه دارم و از طرفی پدرشان می‌خواست بچه‌ها پیش او باشند پس‌ه‌ایم نزد او ماندند و قرار شد در هفته دوبار بچه‌ها را ببینم، اما دیر به دیر آن‌ها را می‌دیدم.
یک شب قبل از حادثه بچه‌ها

نقشه شیطانی برای رقیب عشقی



در همین گیر و دار بودم که روزی یکی از همکارانم تصاویر خصوصی و بدون حساب مرا نشانم داد که در یکی از کانال‌های مستهجن فضای مجازی منتشر شده بود و در زیر آن عکس‌ها جملات بسیار زشت و شرم آوری قرار داشت که مرا دختری فاسد و منحرف معرفی می‌کرد. از شدت حیرت و تعجب چشمانم گرد شده بود که اتاق دور سرم چرخید و روی زمین افتادم. با کمک همکارم وقتی کمی حالم بهتر شد، به حال و روز خودم گریستم و بی مقدمه سراغ پیمان رفتم چرا که آن تصاویر را کسی جز او نداشت. تازه آن جا بود که از میان حرف‌های پسر خاله ام به رازی شکفت آورپی بردم. پیمان از حدود یک سال قبل به دختر دیگری در دانشگاه علاقه‌مند شده بود و با او ارتباط داشت. آن دختر هم که در همین روابط عاشقانه متوجه رابطه من و پیمان شده بود و می‌دانست که قرار است ما با یکدیگر ازدواج کنیم، دست به یک نقشه شیطانی کثیف زده بود. «میترا» با ترفندی خاص و حیل و حقه گرانه تصاویر خصوصی مرا از گوشی پیمان بیرون کشید و آن‌ها را در فضای مجازی منتشر کرده بود تا مرا دختری منحرف و فاسد جلوه دهد و این گونه با بی آبرو کردن من بتواند به خواسته اش برای ازدواج با پیمان برسد و ... شایان ذکر است، با صدور دستوری از سوی سرهنگ معطری (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده این دختر جوان که با ماجرای تافف باز همراه بود، برای رسیدگی ویژه و کارشناسی در اختیار مشاوران زنده دایره مددکاری اجتماعی کلانتری قرار گرفت.

رشته‌های مهندسی دانشگاه آزاد تحصیل می‌کرد. با هم تصمیم گرفتیم تا پس از پایان تحصیلات من، با یکدیگر ازدواج کنیم. اما مدتی بعد احساس کردم پیمان خیلی نسبت به من بی‌تفاوت شده است و رفتار بسیار سردی با من دارد. دلیل این کار را نمی‌دانستم. پیمان هم درباره رفتارهای عجیب و غریبش هیچ توجیهی باورپذیری نداشت و هیچ وقت پاسخ درستی به من نمی‌داد. از سسوی دیگر برای آن که بتوانم اعتماد او را جلب کنم و او را با یادآوری خاطرات گذشته به روزهای خوش و عاشقانه ماه‌ها و سال‌های قبل بازگردانم، تعدادی از تصاویر بسیار خصوصی خودم را برایش ارسال کردم.

با وجود این باز هم رفتارهای سرد بی روح پیمان تغییر نکرد. این در حالی بود که من تحصیلاتم را به پایان رسانده و در یکی از بیمارستان‌های مشهد مشغول کار شده بودم. با آن که امیدوار بودم روزی با پیمان ازدواج می‌کنم، اما بی‌تفاوتی‌های او نسبت به من آرام می‌داد و خلاصه

هزینه‌ها و مخارجمان در یک شرکت مشغول کار شد و من هم به تحصیلاتم ادامه دادم، ولی ماجرای که سرنوشت و آینده مرا تغییر داد از همان دوران کودکی، زمانی آغاز شد که شوهر خاله ام همواره مرا به عنوان عروس زیبایش خطاب می‌کرد.
او از همان زمان مرا عروس خودش می‌دانست و اعتقاد داشت که من و «پیمان» باید با یکدیگر ازدواج کنیم. من هم که پسر خاله ام را دوست داشتم از همان سنین کودکی به این باور رسیده بودم که با پیمان نامزد هستیم و زمانی که بزرگ‌تر شویم با هم ازدواج می‌کنیم. به همین دلیل آنکارا و پنهان با یکدیگر در ارتباط بودیم. حتی در کنار هم عکس‌ها و تصاویر عاشقانه خصوصی می‌گرفتم چسرا که من به جز پیمان به فرد دیگری نمی‌اندیشیدم، تا آن که بعد از گرفتن دیپلم، در آزمون سراسری شرکت کردم و در رشته پرستاری یکی از دانشگاه‌های معتبر کشور پذیرفته شدم. در حالی که پیمان نیز در یکی از

شوهرم مرا وادار به سرقت می‌کرد!

سارق سابقه دار را شوهر خود معرفی می‌کرد، در اعترافش گفت: پنج سال قبل زمانی که از شوهرم طلاق گرفته بودم به عقد موقت «نویده» (متهم) درآمد، ولی او سردی رفیق باز و بی‌کار بود که مرا با دعوا و اصرار مجبور می‌کرد تا در سرقت‌ها با او همکاری کنم که پلیس به ما مشکوک نشود. من هم به ناچار برای دستبرد به اموال داخل خودروها با او همکاری می‌کردم، اما خودروی سرقتی متعلق به یکی از دوستانش در منطقه سیدی مشهد است. به گزارش خراسان، تحقیقات در این باره ادامه دارد.

اعتراف به ۴ فقره کوشی قاپی
در همین حال فرمانده انتظامی مشهد از متلاشی شدن یک باند کوشی قاپی در منطقه آیکوه خبر داد که یکی از سارقان به ۴۰ فقره سرقت اعتراف کرده است.
سرهنگ عباس صارمی با اشاره به کوشی قاپی‌های سریالی در مناطق

مرکز فرماندهی، مشخص کرد خودروی مذکور سرقتی است. وقتی مأموران زن ۲۷ ساله را مورد بازجویی قرار دادند، مدعی شد که شوهرش داخل مجتمع مسکونی به دیدار دوستش رفته است! اما این اعداد آن ساعت بامداد برای پلیس باورکردنی نبود. دقیقی بعد مرد ۳۵ ساله‌ای از درون مجتمع بیرون آمد و با دیدن پلیس پا به فرار گذاشت. اما هنوز قدم از قدم برداشته بود که حلقه‌های قانون بر دستانش گره خورد. در بازرسای از خودروی پراید مقادیر زیادی لوازم سرقتی مانند پتو، کیف قهوه‌ای حاوی مدارک، کارت بانکی، وجه نقد و ... کشف شد. با انتقال متهمان به دایره جنس کلانتری، تحقیق از زوج سارق در حالی توسط افسران کارآزموده آغاز شد که مرد سابقه دار ادعا کرد خودرو را از یکی از دوستانش به امانت گرفته است تا با آن به اموال داخل خودروها دستبرد بزند! در همین حال زن ۲۷ ساله نیز که

گروه حوادث- پلیس مشهد طی چند روز گذشته در حالی دو باند کوشی قاپی و دستبرده به اموال داخل خودروها را در مناطق آیکوه و قاسم آباد متلاشی کرد که یکی از متهمان مدعی است به اجبار شوهرش، دست به سرقت می‌زند!
ساعت ۱۳ بامداد دهم آذر، مأموران گشت نامحسوس کلانتری قاسم آباد مشهد وارد کوچه و خیابان‌های حوزه استحفاظی شدند و نقاط کوری را که احتمال ارتکاب جرم در آن‌ها وجود داشت زیر نظر گرفتند. نیروهای انتظامی کلانتری که از مدتی قبل به فرماندهی سرهنگ عسکری (رئیس کلانتری قاسم آباد) رصدهای اطلاعاتی سارقان سابقه دار و حرفه‌ای را در دستور کار قرار داده اند، دامنه فعالیت‌های مبارزه با سرقت را به مناطق مختلف گسترش دادند تا این که در یکی از خیابان‌های انتهای بولوار اندیشه به خودروی پرایدی مشکوک شدند که از زن جوانی سرشنس آن بود، استعلام از

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

مفقودی

خدمات
خرید و فروش و ...

استخدام
مفقودی

استخدام

خدمات تأسیسات، آب، برق، فاضلاب و تعمیرات ساختمان (کلی و جزئی)
با سابقه سال‌ها امور تأسیساتی در جزیره کیش
کمالی ۰۹۳۴۷۶۸۲۰۵۴

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب‌سایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

سفرش ظروف سفالی دست ساز

بافت موهانیه
با ۴۰٪ تخفیف ویژه (با ۷ سال سابقه کار در پلاژ بانوان)
hanibaftkish
۰۹۳۹۱۴۴۷۱۱۳

سفرش ظروف سفالی دست ساز

به چند کارگر ساده نیازمندیم
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۶۴۵۲

از دو خانم آشنا به کامپیوتر جهت انجام امور اداری جهت کار در یک شرکت دعوت به کار می‌شود
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروراید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: شیفت صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر)
شیفت بعدازظهر (۲ تا ۹ شب)
دو شیفت مجزا

خدمات

به یک حسابدار و کمک حسابدار برای هتل ۴ ستاره نیازمندیم.
۰۹۱۸۴۰۷۹۸۴۴
۰۷۶۴۴۴۶۷۴۰۰-۱۲

خاکبرداری
جهت خاکبرداری یک پروژه از فعالین در این حوزه دعوت به همکاری می‌شود.
۰۹۳۴۷۶۸۶۴۵۲

نیازمندیهای اقتصاد کیش
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

شرکت ستاره نقره ای کیش
واردات انواع قطعات یدکی خودرو در سریع‌ترین زمان ممکن از خارج یا داخل
تلفن تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۶۵۵ خط ویژه: ۴۴۴۲۲۲۲۴

اماکن قرنطینه‌ای، منازل مسکونی تجاری، اداری، پروژه‌ها و ... با مه پاش‌های سرد - فوری

ضد عفونی

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شان‌دیز کیش

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷